

ایده پدافند عامل تمدنی: راهکاری برای ارتقاء هویت شهری؛ راهبردی به سوی تمدن نوین اسلامی ایرانی وحید توسلی^۱

چکیده

موج تکوینی انقلاب اسلامی با اوج تدوینی آن یعنی، قانون اساسی در صدد بنا کردن تمدن نوین اسلامی در دوران معاصر بوده است. در راستای قانون اساسی-این میثاق و منشور نظام جمهوری اسلامی ایران- سند چشم‌انداز کشور در افق ۱۴۰۴ تصویب و ابلاغ گردیده که سیاست‌های کلی موضوعی نیز در امتداد اجرایی کردن آن قرار می‌گیرد. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز به عنوان سند بالادستی اسناد راهبردی کشور در حال تدوین البته در بازه بلندمدت است که اگر ثمره پیاده‌شدن این الگو، آن تمدن باشد نیازمند بستر تحقق و عناصر سازنده‌ای است. شهرها، عینی‌ترین بستر و هویت و مشارکت حیاتی‌ترین و اساسی‌ترین عناصر خواهند بود که در مجال این مقاله سعی شده است عنصر ممتازی چون هویت، در عرصه شهرسازی بازخوانی و تحلیل شود. سپس ضمن اشاره به آسیب و نقصان در سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه، زمینه‌های اسلامی موجود معماری و شهرسازی در قوانین احصا می‌شود. از آنجائیکه مفهوم هویت مقوله‌ای فرهنگی است با اشاره به وظایف مهندسی فرهنگی، تاثیرات متقابل فرهنگ و محیط، به عنوان چارچوبی برای تحلیل تمدن‌سازی اسلامی ایرانی تبیین و در ادامه سوالات مطرح شده سبک زندگی توسط مقام معظم رهبری که در رابطه با موضوع بحث بوده را یادآوری می‌نماید. در بخش ماقبل آخر با توجه دادن به جنگ نرم وقوع یافته در شهرها پدافند عامل تمدنی پیشنهاد و تاکید می‌گردد. در نهایت نیز با توجه به سرمایه‌های الهی، انسانی و علمی کشور، همچنین ظرفیت نهادی و ساختاری موجود، پیشنهاد نتیجه‌گیری ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: هویت، تمدن، شهرسازی، سبک زندگی، جنگ نرم، پدافند عامل

^۱ کارشناس ارشد طراحی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

tavassoli.vahid@gmail.com

مقدمه (بیان مساله)

«قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد» و در مقدمه آن تأکید گردیده که «ویژگی بنیادی انقلاب اسلامی نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده اخیر، مکتبی و اسلامی بودن آن است... و علت اساسی و مشخص عدم موفقیت دیگر نهضت‌ها... دور شدن از مواضع اصیل اسلامی بوده که به رکود کشانده شد.» آنچه در شرایط حاضر اهمیت می‌یابد بررسی تدریجی و نفوذ دیدگاه و مبانی مکتبی و بومی (اسلامی- ایرانی) در تدوین و تنظیم اسناد، راهبردها، الگوها و ضوابط (به عنوان زیرساخت حقوقی و شکل‌دهی ساختارها) و سپس نظارت و هدایت اقدامات و امور اجرایی در این راستا می‌باشد. البته این تحلیل و آسیب‌شناسی در زمینه‌ها و موضوعات چهارگانه ذیل و از طریق طی روند «اندیشه‌ای- انگیزه‌ای» کامل خواهد بود:

- * رشد فرهنگی- سیاسی
- * تحول اقتصادی- اجتماعی
- * زمینه قانونی- حقوقی
- * ظهور اجرائی- عملیاتی (دگرگونی کالبدی- فضایی)

شهرها محل عمده‌ترین فعالیتهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هستند و هم‌اکنون اکثر جمعیت کشور در شهرها و اکثر زمان زندگی و حیات بشر نیز در محیط‌های ساخته شده سپری می‌شود. این امر با ملاحظه آمار رسمی (سرشماری عمومی نفوس و مسکن) و با مراجعه به جدول ۱ مبنی بر افزایش تعداد شهرها و جمعیت شهری- هر دو حدود ۴ برابر- و رشد نزدیک ۲۵ درصدی میزان شهرنشینی (ابتدای انقلاب تاکنون) به روشنی مشهود است.

جدول ۱: افزایش تعداد شهرها و میزان شهرنشینی طی سالهای ۱۳۹۰-۱۳۵۵

ردیف	سال سرشماری عمومی نفوس و مسکن	تعداد شهرها	جمعیت و میزان شهرنشینی	
			(میلیون نفر)	(درصد)
۱	۱۳۵۵	۳۷۳	۱۵/۸	۴۷/۰
۲	۱۳۹۰	۴۹۶	۲۶/۸	۵۴/۳

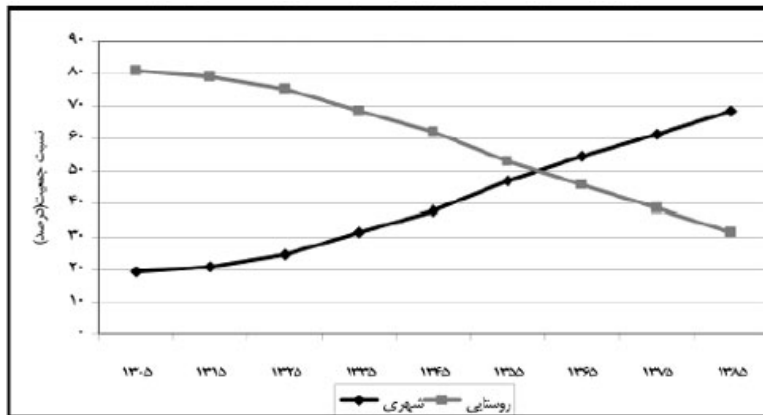
ردیف	سال سرشماری عمومی نفوس و مسکن	تعداد شهرها	جمعیت و میزان شهرنشینی	
			(میلیون نفر)	(درصد)
۳	۱۳۷۵	۶۱۲	۳۶/۸	۶۱/۳
۴	۱۳۸۵	۱۰۱۲	۴۸/۲	۶۸/۵
۵	۱۳۹۰	۱۳۳۱	۵۳/۶	۷۱/۴

ماخذ: تنظیم نگارنده (۱۳۹۲) از سایت رسمی مرکز آمار ایران

با ورود درآمدهای نفتی به بودجه‌بندی کشور و به تبعیت از الگوهای شهرنشینی و شهرسازی غربی و انباشت سرمایه و گردش ثروت در شهرها و به دنبال نفوذ اتومبیل به داخل شهرها، اقدامات عمرانی بسیاری در شهرها صورت گرفت که عمده این اقدامات درون‌زا نبوده‌اند و ادغام اقتصاد ایران با اقتصاد سرمایه داری جهانی و رشد برون‌زا و به تبع آن مهاجرت بی‌رویه روستائیان به شهرها به ویژه کلان شهرهای کشور از دلایل اصلی رشد شهرها بوده است. افزایش نسبت شهرنشینی ناشی از دو عامل تبدیل سکونتگاههای روستایی به شهر از یک سوء و مهاجرت روستائیان به شهرها از سوی دیگر و اقتصاد تک محصولی متکی به نفت و اختلاط اقتصاد ایران با اقتصاد سرمایه‌داری جهانی به ویژه از زمان سلطنت پهلوی دوم و به تبع آن مسایل گوناگونی موجب آزاد یا رها شدن بخش قابل توجهی از نیروی کار در روستاها شد و لذا روستائیان برای کسب معاش روانه شهرها شدند که پیامد آن شهرنشینی شتابان و مواجه شدن شهرهای بزرگ با مشکلات عدیده بوده است که متأسفانه هنوز هم ادامه دارد. مطابق تجربیات جهانی با تشکیل کلانشهرها و شهرهای غیرسازمان‌یافته، پدیده‌هایی مانند بیکاری، فقر، حاشیه‌نشینی، انحرافها و بحرانهای سیاسی و اجتماعی در این شهرها مواجه شده است. بدیهی است که روی آوردن به شهرها برای زندگی بهتر بوده اما آیا شهرها شاخصه‌های کیفیت زندگی را برای ساکنان خود فراهم نموده‌اند؟ این رشد شهرنشینی و شهرگرایی روندی جهانی بوده که کشور ما هم مستثنی نبوده و در حدود سال ۱۳۵۹ (مراجعه به نمودار ۱) نسبت جمعیت شهری و روستایی برابر می‌شود و شاید برخی سیاستهای مقطعی در اوایل انقلاب نیز به این روند افزوده است.

البته در اینجا بحث بر ترجیح یا اولویت شهر بر روستا نیست. هرچند بررسی این واقعیت یعنی عدم تعادل نهاد تولید و مصرف (بواسطه افزایش مصرف‌کنندگان و کاهش تولیدکنندگان) یا بی‌تناسبی بخشهای ۳ گانه اقتصادی _ کشاورزی، صنعت و خدمات _ از اهداف این مقاله نیست، ضمن آنکه ارزشیابی این روند و کاوش تلقی شهرگرایی به منزله توسعه‌یافتگی کشور هم به چالش کشیده نمی‌شود؛ اما به عنوان یک پدیده‌ی واقعی و رو به مزایا و ضرورت توجه ویژه به امور شهری و شهرسازی را فراتر از نوع توجه فعلی (حداقلی) و البته انفعالی کنونی آشکار می‌سازد. این توجه در بعد کلان و راهبردی فرهنگی - اجتماعی و سیاسی - اقتصادی به مشروح در بخش بعدی مدنظر است.

نمودار ۱: نسبت جمعیت شهری و روستایی طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۰۵



ماخذ: سایت معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری

شهر و الگوی زیست، محیط و جامعه

رابطه متقابلی بین شهر و فرهنگ جامعه قابل بررسی است که محیط شهر با فرهنگ مردم چه رابطه‌ای دارد و فرهنگ مردم در ساخت محیط خود چه تاثیری؟ در پاسخ به جزء اخیر این سوال نظرات عموماً همگراست از جمله به اعتقاد یکی از صاحب‌نظران شهرسازی: «ترکیب کالبدی و اندامین شهر چیزی جز انعکاس و تبلور سنن زیست، شیوه‌های معیشت و تولید و رفتارها و فعالیت‌های انسانی منبعث از آن، در فضا نمی‌باشد. به دیگر سخن ساخت کالبدی شهر بازتاب احوال اجتماعی - فرهنگی و سیاسی - اقتصادی حاکم بر جامعه

در فضا است که در یک مقطع زمانی- مکانی خاص رخ داده و در بستر زمان تحول یافته است. «(حبیبی، ۱۳۸۰، سه)

اما در رابطه با جزء اول سوال (بررسی رابطه محیط و جامعه) نظریات متعددی وجود دارد که سه نوع نظریه کلی در خصوص رابطه محیط و رفتار را می‌توان مطرح نمود:

- جبرگرایی محیطی: خصوصیات محیط کالبدی نوع رفتار انسان را بصورت جبری تعیین می‌کند.

- امکان‌گرایی محیطی: گرچه خصوصیات محیط کالبدی امکانات و محدودیت‌هایی را برای انجام رفتارها فراهم می‌آورد عمدتاً افراد بر اساس معیارهای فرهنگی‌شان دست به انتخاب می‌زنند و رفتار می‌کنند.

- احتمال‌گرایی محیطی: بر اساس این دیدگاه جدیدتر خصوصیات محیط کالبدی اساساً تعیین‌کننده رفتار افراد نیست... ولی انتخاب برخی رفتارها را نسبت به برخی رفتارهای دیگر در همان محل محتمل‌الوقوع‌تر می‌سازد. (گلکار، ۷۶، ۱۳۹۰)

به عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت که در هر صورت محیط قرارگاه رفتاری انسان و جامعه است و می‌تواند بازدارنده یا تسهیل‌کننده رفتار خاصی باشد هرچند نقش جبری و تعیین‌کننده نداشته باشد لیکن به عنوان نقش یک کاتالیزور (کنشیار) پذیرفته شده است. (همان، ۷۷)

بنابراین تاثیر محیط بر فرهنگ و جامعه پیچیدگی دارد اما برعکس آن یعنی تاثیر فرهنگ بر محیط و جامعه از نظر فلسفی و نظری بدیهی است از اینجاست که هویت به عنوان مقوله‌ای فرهنگی نمود کالبدی و ظهور اجتماعی خود را به عنوان تمدن می‌نمایاند.

هویت، تمدن و فرهنگ

به طور کلی هویت، در روند ناگزیر جهانی شدن و تعامل فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و نیز تبادل باورها، ارزش‌ها و هنجارها و در برخی از مواقع نفوذ شیوه‌ها و سبک‌های مختلف زندگی، از دغدغه‌ها و نگرانی‌های اصلی ملت‌ها و جوامعی است که از پیشینه و سابقه تمدنی، فرهنگی و تاریخی مخصوص به خود برخوردارند. در چنین شرایطی که فرهنگ‌ها تهدید و یا در معرض افکار و شیوه‌های نوین زندگی قرار می‌گیرند و افراد یک جامعه و یا فرهنگ از توجیه آنها احساس ناتوانی می‌کنند هویت به پرسش کشیده می‌شود. از بطن

این پرسش است که مفاهیمی چون بی هویتی و بحران هویت پدیدار می‌گردد. این امر نشان می‌دهد که به چالش کشیدن هویت و پرسش از هویت، یک پرسش سلبی و نفی‌کننده و درنهایت ناخوشایند نیست بلکه درواقع نیروی مثبتی است که نخبگان یک جامعه را به اندیشه و چاره‌جویی وا می‌دارد. چنین پرسشی همواره سرآغاز تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بوده است. از این منظر، پرسش از هویت همواره موجب تفکر و اندیشیدن به خود و در نتیجه استخراج داشته‌ها و بازنگری در آنها و نیز تلفیق آنها با یافته‌ها بوده است. (غراب، ۱۳۹۰، ۳۰-۲۵)

قابل ذکر است، همان‌گونه که جهان‌بینی و فرهنگ جوامع بر آثارشان اثر گذاشته و هویت آثارشان، متناسب با هویت جامعه (وبه ویژه هویت فرهنگی و فکری او) شکل می‌گیرند، هویت آثار نیز بر فکر و فرهنگ و رفتار جامعه اثر می‌گذارند. به این ترتیب که اگر هویت آثار خلق شده، دارای ویژگی‌هایی برآمده از فکر و فرهنگ بومی باشند، مقوم هویت بومی و ملی می‌شوند و اگر آثار خلق شده، تقلیدی از الگوهای بیگانه باشند، به مرور و با تاثیر بر رفتار و فرهنگ و تفکر جامعه، هویت آحاد آن را دگرگون می‌نمایند. با توجه به تاثیر متقابل محیط و انسان بر یکدیگر، این اصل قابل استنتاج خواهد بود که: "اعلام و القای هویت فرد و جامعه" یکی از مهمترین تاثیراتی است که فرهنگ بر شکل‌گیری آثار انسانی و از جمله شهر دارد. اگر جهان‌بینی را فضای فکری انسان فرض کنیم؛ فرهنگ، فضا و بستر عمل خواهد بود. به این ترتیب، فرهنگ جامعه یکی از مهمترین منابع اصول و ارزش‌هایی است که ملاک عمل پدیدآورندگان آثار انسانی (عالمان و هنرمندان) هستند. این اصول و ارزش‌ها به انحاء مختلف عوامل هویت‌بخش جامعه‌ای هستند که به آنها معتقد است. یکی از مهمترین این زمینه‌ها، تظاهر و جلوه‌ی این اصول و ارزش‌ها در معماری و شهر است. پس، ملاحظه‌ی وجوه فرهنگی در معماری و شهرسازی، موجد کیفیتی در محیط است که بیانگر وجهی از "هویت" جامعه‌ی واجد آن فرهنگ (به‌عنوان ایجادکننده‌ی آن کالبد و فضای خاص) می‌باشد. هویت جامعه‌ی ایرانی که با اعتقادات اسلامی در محدوده‌ی جغرافیایی خاص قوام گرفته است، از جهات بسیاری از جمله: از نظر مبانی تعیین‌کننده‌ی ویژگیها و صفات هویت، از حیث مبانی مقایسه‌ی هویتش با هویت سایر جوامع، از نظر جنبه‌های تکامل‌بخشی و یا مضمحل‌کننده‌ی هویت و از نظر اسلامیت و ایرانیت آن قابل

توجه است. بنابراین شناسایی مولفه‌های هویتی که جهان‌بینی و فرهنگ اسلامی و ایرانی معرفی می‌نماید، ضروری است. (نقی زاده، ۱۳۸۶، ۳۳۲-۳۲۷)

هویت نهایی فضا برآیند هویت‌های عملکردی، کالبدی، محیطی، فرهنگی و معنایی آن می‌باشد. نکته‌ی قابل ذکر آن است که فضا ویژگی‌هایی (اعم از کالبد یا معنا یا عملکرد) را دارا می‌باشد که مردم احساس "این همانی" با آن فضا نموده و ضمن درک هویت فضا، آن را با هویت خویش هماهنگ و همراه می‌یابند. در حالت احساس "این همانی" با فضا، اصولاً انسانها، فضای شهری را جلوه‌ای از هویت فرهنگی و تمدنی خویش می‌دانند. (نقی‌زاده، ۱۳۸۵، ۲۷۰)

واژه‌ی تمدن^۲ و واژه فرهنگ^۳ واژه‌هایی هستند که عملاً به همدیگر پیچیده‌اند. به گفته‌ی فردریک م. بارنارد: «در مواردی تکامل روحی یا معنوی انسان را با فرهنگ یکی دانسته‌اند، و در مواردی با تمدن. گاهی از فرهنگ به عنوان جزء خاصی از تمدن بحث می‌شود... و گاهی نیز فرهنگ را لفظی کلی‌تر محسوب کرده‌اند و حال آن‌که تمدن به فرهنگ شهرها محدود شده» (فردریک م. بارنارد، مجله فرهنگ شماره ۱۴ و ۱۵ ص ۷۵)... نمی‌توان تعریف واحد و مشخصی برای تمدن یا فرهنگ در متون علمی پیدا کرد، زیرا هر مکتبی بر مبنای خود تعریفی از آن دو واژه دارد. ... شاید بتوان در مجموع این‌طور گفت که «فرهنگ» همان مبادی فکری باشد که منشأ حرکات افراد می‌گردد، که در بحث ما اسلام به عنوان مبادی فکری مورد نظر است و در مورد «تمدن» از یک جهت با اشیپنگلر هم عقیده هستیم که می‌گوید: «شاید بتوان گفت: تمدن، ظهور نهایی فرهنگ است» و از یک جهت به اصل واژه‌ی Civilization یا مدنیّت و توجه به شهری و جمعی بودن طبع انسان می‌نگریم. (طاهرزاده، ۲۴، ۱۳۸۹)

«تمدن اسلامی» یعنی نوعی از زندگی که انسان‌ها بتوانند به تمام ابعاد مادی و معنوی خود به کامل‌ترین شکل جواب دهند، آری؛ در این زندگی، بعضی‌ها ممکن است به افق‌هایی برسند که نسبت به بقیه‌ی افراد به حداقل ابزار نیاز داشته باشند، اما عموم مردم را نمی‌توان در این حیطة قرار داد. اسلام بستری کلی می‌سازد تا هر کس مطابق استعدادهایش بتواند نوع زندگی الهی و انسانی خود را انتخاب کند. در این تمدن ... ابزارهای پوچ و محرک نفس

² Civilization

³ Culture

آثاره نیست، ولی شرایط برای زندگی در روی زمین فراهم است،... پس تمدنی که نتواند در راستای اهداف خود ابزار مناسب بسازد تمدن به حساب نمی‌آید. ولی وظیفه‌ی نظام اسلامی است که برای همه مردم تمدن خود را با لوازم مربوطه‌اش شکل دهد هرچند وقتی بستر رشد یقین فراهم شد انسان‌ها کمتر گرفتار ابزار هستند.... مسلمانان در گذشته شهر و کوچه‌ای می‌ساختند که عالم دینی‌شان را حفظ کنند، آرامشی را که نیاز داشتند حتی در ساختن کوچه‌های خود حفظ می‌کردند و شما امروز با عبور از کوچه‌های قدیمی آن آرامش را لمس می‌کنید. مهم این بود که می‌دانستند چه می‌خواهند و بر آن اساس زندگی خود را شکل می‌دادند. البته این یک مثال بود، ... روی هم رفته به گذشته بر نمی‌گردیم و بر آنچه هم که الآن هست، نمی‌مانیم. (طاهرزاده، ۱۳۸۹، ۳۴)

تحلیل و فراتحلیل شهر و هویت

تفاوتها در تعریف و تفسیر یک پدیده، بیان‌کننده این موضوع مهم است که یک و یا چند وجه از پدیده مشاهده شده و نه تمامی آن. درخصوص شهر به عنوان یک پدیده فرهنگی نیز رویکردهای متفاوتی وجود دارد که بر اساس این رویکردهای متفاوت، سعی می‌شود فضای مفهومی هویت شهری را ترسیم نمود. (غراب، ۱۳۹۰، ۵۹) در اینجا به ۴ سطح تحلیل از هویت اشاره می‌شود:

- ۱- هویت شهری به مثابه یکپارچگی و انسجام مولفه‌های شهری
- ۲- هویت شهری به مثابه هویت شهروندی
- ۳- هویت شهری به مثابه هویت تاریخی- زیبایی‌شناختی
- ۴- هویت شهری به مثابه هویت نمادین

از آنجایی که در هر یک از ۴ سطح تحلیل اشاره شده، ترکیب و گونه‌هایی از هویت قابل استخراج است و در این جا نیاز به دسته‌بندی منطقی و منظم از مفاهیم و تحلیل‌های مربوط به هویت داریم لذا به منظور جمع‌بندی و درک مقصود از گونه‌های هویتی، تحلیل مجدد آن (فراتحلیل) به شرح ذیل ارائه که برای دسته‌بندی هویت به کار گرفته می‌شود. دسته‌ای از تحلیل‌های هویت ناظر به گذشته (تاریخ) یا سرمایه دانشی و ارزشی (تجربه تاریخی و میراث ملموس یا غیرملموس) و یا جنبه‌های زیبایی‌شناختی است.

در مقابل آن، گونه‌ای ناظر به آینده و هویت حاصل از تکامل جامعه بشری خواهد بود که همه جوامع متناسب عقاید و عملکرد خود به سوی آن هدفگذاری و حرکت می‌کنند که فراتر از این تبیین عام، بطور خاص در باورهای ارزشی و دینی با ظهور مصلح کل (انسان کامل) در نهایت هویت متکاملی قابل تصور و تصدیق است که در اینجا از آن به هویت نهایی متکامل تعبیر می‌نماییم که دورانی است که جامعه در متکامل‌ترین حالت خود، برخوردار از حداکثر معرفت، عقلانیت، عدالت، امنیت، صلح و... به عنوان اهداف اصلی برنامه‌ریزی‌ها برای بشریت می‌باشد.

در تحلیل مجدد تحلیل هویت انسجام مولفه‌های شهری با ۲ طبقه‌بندی: یکی کارکردی (مربوط به مولفه فعالیت (اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)) و دیگری کالبدی (مربوط به مولفه فرم و فضا) مواجه هستیم لذا این سطح تحلیلی در خود دو گونه هویت مستتر دارد. همچنین در سطح تحلیل هویت نمادین که اشاره به متن و محتوا دارد در واقع مشابه ۲ طبقه مذکور در متن با محیط و عناصر سازنده سر و کار داریم و در محتوا با اهداف و ارزشهای انسانی.

در هویت شهروندی مباحث عضویت، قلمرو، شیوه و سبک زندگی، سازمان اجتماعی و حقوق و تکلیف مطرح می‌شود که با مراجعه به قانون اساسی (مبنای حقوق اساسی و تنظیم سازمان اجتماعی) به واژه‌ی امت _ که یک لغت قرآنی با مفهوم گسترده است _ می‌رسیم و آن را پیش فرض معادل قرار می‌دهیم که در ۵ اصل قانون اساسی هم آمده و یکپارچگی جامعه نیز منوط به رابطه امامت - امت با حلقه وصل ولایت می‌باشد. این نوع هویت که از آن به هویت انسانی یاد می‌کنیم ناب‌ترین نوع و جوهره‌ی اصلی هویت است که ناظر به وجوه کارکردی اصیل انسان است در واقع این نوع هویت فراتر از انواع مربوط به زمان (تاریخ) و مکان (کالبد)، مطرح می‌باشد.

علاوه بر دو گونه هویت تاریخی و هویت کالبدی، دو دسته هویت یکی متناظر وجوه فطری و کارکردی انسان (فعالیت، اهداف، ارزشها، عملکرد، آداب، رفتار و...) با عنوان هویت انسانی و دیگری وجوه آرمانی جامعه - که غالباً در تمدن‌های بشری جلوه‌گر می‌شده یا خواهد شد - قابل برشماری و طبقه‌بندی می‌باشد که در جدول ۲ ارایه می‌گردد. (توسلی، ۹۱)

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

جدول ۲: گونه‌های اساسی شناسایی شده هویت متناظر تحلیل‌های موجود

ردیف	گونه هویت	متناظر تحلیل یا فراتحلیل
۱	هویت تاریخی	تاریخی - زیبایی‌شناختی
۲	هویت کالبدی	انسجام مولفه‌های (فضا، فرم) هویت نمادین (محیط و عناصر سازنده)
۳	هویت انسانی (کارکردی)	هویت شهروندی (امت) انسجام مولفه‌ها (فعالیت و عملکرد اجتماع) هویت نمادین (اهداف و ارزشهای انسانی)
۴	هویت آرمانی (تمدنی)	هویت نهایی متکامل (ناظر به آینده)

البته مفهوم هویت و تمدن بصورت عام در سیاست‌های کلی برنامه توسعه کشور اشاره شده، البته نه هدفدار و مشخص چرا که برای سازماندهی و هدایت عملکردی آن برنامه مدون و منسجمی در اسناد دیگر یافت نمی‌شود. به تنها اثر هویت و اشاره به مبحث تمدنی به جدول ۳ ارجاع می‌گردد.

جدول ۳: جایگاه هویت در سیاست‌های کلی برنامه توسعه کشور

سند فرادست عنوان	سیاست‌های کلی برنامه چهارم	سیاست‌های کلی برنامه پنجم
هویت	تقویت وحدت و هویت ملی مبتنی بر اسلام و... (بند ۴) حفظ هویت اسلامی، ایرانی و حراست از میراث فرهنگی (بند ۱۹) هویت بخشی به سیمای شهر و روستا (بند ۲۱)	هویت بخشی به سیمای شهر و روستا (بند ۱۵) تقویت تعامل فرهنگی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی با جهان بویژه حوزه تمدن اسلامی - ایرانی (بند ۴۲)

ماخذ: نگارنده (۱۳۹۱)

زمینه‌های اسلامی موجود معماری و شهرسازی در قوانین

در دومین دوره پنجساله از افق چشم‌انداز بیست ساله کشور- که تا حدی باور و اراده ایجاد «شهر اسلامی» و البته با تأخیر حداقل ۱۷ ساله (پس از دستور مقام معظم رهبری^۴ در سال ۱۳۷۵) شکل گرفته و به نوعی در قوانین و مقررات چندسال اخیر (سالهای ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹) امکان بروز و نقش برجسته یافته‌است در اینجا با احصاء قوانین مرتبط به شرح ذیل زمینه‌های موجود در بستر قانونی به ملاحظه می‌رسد:

- ۱- ماده ۲۰ قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن (مصوب ۱۳۸۷): «دولت مکلف است از فرهنگ غنی ایرانی- اسلامی در حوزه معماری و شهرسازی و ارتقاء کیفیت طرحها، توجه به مبانی و رعایت هویت ایرانی- اسلامی در کلیه طرح‌های شهرسازی، معماری و تولید مسکن صیانت نماید.»
- ۲- ماده ۱ قانون برنامه پنجم توسعه (مصوب ۱۳۸۹): « دولت موظف است با همکاری سایر قوا « الگوی توسعه اسلامی - ایرانی » که مستلزم رشد و بالندگی انسانها بر مدار حق و عدالت و دستیابی به جامعه ای متکی بر ارزشهای اسلامی و انقلابی و تحقق شاخصهای عدالت اجتماعی و اقتصادی باشد را تا پایان سال سوم برنامه تدوین و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارایه دهد»
- ۳- جزء الف ماده ۱۶۹ قانون برنامه پنجم توسعه (مصوب ۱۳۸۹): « شورایی عالی شهرسازی و معماری موظف است به منظور تدوین و ترویج الگوهای معماری و شهرسازی اسلامی - ایرانی : با تشکیل کارگروهی مرکب از نمایندگان دستگاههای ذیربط و صاحبان نظران و متخصصان رشته های معماری، شهرسازی و حوزوی نسبت به انجام پژوهشهای کاربردی، سیاستگذاری ، تدوین ضوابط و مقررات و ترویج الگوهای موردنظر اقدام نماید.
- ۴- ماده ۱۶ قانون حمایت از احیاء ، بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده و ناکارآمد شهری (مصوب ۱۳۸۹): « وزارت مسکن و شهرسازی (سازمان عمران و بهسازی شهری ایران) مکلف است با همکاری وزارت کشور، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور و شورای عالی استانها به منظور جلب همکاری و مشارکت کلیه دستگاههای اجرائی

۵. در برنامه کلان خود نباید شهرهای معروف دنیا را الگو قرار دهید، بلکه باید برای ایجاد شهری اسلامی برنامه‌ریزی کنید.

ذی‌ربط در فرآیند احیاء، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد و در جهت راهبردی و مدیریت یکپارچه و ایجاد وحدت رویه کلیه عوامل مرتبط در سطح ملی و محلی و استفاده از امکانات و منابع موجود حداکثر ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون نسبت به تهیه و تدوین سند ملی راهبردی احیاء، بهسازی و نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری با رویکرد ضوابط شهرسازی معماری ایرانی - اسلامی اقدام و برای تصویب به هیات‌وزیران ارائه نماید.» (توسلی، ۱۳۹۰)

مهندسی فرهنگی، سبک زندگی و تمدن‌سازی

با توجه به مجموعه‌ی بیانات مقام معظم رهبری، مهندسی فرهنگی سه وظیفه مهم به شرح ذیل را به عهده دارد:

۱- ارزیابی وضعیت فرهنگی موجود

۲- تعیین فرهنگ آرمانی یا همان وضعیت فرهنگی مطلوب

۳- ارائه برنامه و طریق رسیدن به وضعیت مطلوب

از سوی دیگر حضرت ایشان فرهنگ را «به عنوان جهت‌دهنده به تصمیمات کلان کشور؛ حتی تصمیم‌های اقتصادی، سیاسی، مدیریتی» می‌دانند و می‌فرمایند: «وقتی ما می‌خواهیم ساختمان بسازیم و شهرسازی کنیم در واقع با این کار داریم فرهنگی را ترویج می‌کنیم، تولید می‌کنیم یا اشاعه می‌دهیم» و همچنین می‌فرمایند: «فرهنگ مثل روحی است که در کالبد همه‌ی فعالیت‌های کشور حضور و جریان دارد. فرهنگی که باید در تولیدات، خدمات، ساختمان‌سازی و ... رعایت شود و حدود را معین و جهت را مشخص کند» و نهایتاً اینکه: «فرهنگ که می‌گوییم اعم از مظاهر فرهنگی مانند زبان، خط و امثال اینها و آنچه باطن و اصل تشکیل دهنده‌ی پیکر و فرهنگ ملی است مثل: عقاید، آداب اجتماعی، موارث ملی و ... است. فرهنگ دارای انواعی است:

۱- فرهنگ ملی، ۲- فرهنگ عمومی، ۳- فرهنگ تخصصی و ۴- فرهنگ سازمانی که در

مهندسی فرهنگ همه این انواع باید مهندسی شوند.»

مقام معظم رهبری در ارزیابی وضعیت موجود (وظیفه و قدم اول) پیشگام شده و طی سولاتی به آسیب‌شناسی و طرح فهرست‌وار سولات ۲۰گانه درباره سبک زندگی^۵ پرداختند و جوانان را به تلاش و اندیشیدن درباره هویت و سبک زندگی دعوت نمودند. همچنین تاکید داشته‌اند فرهنگ زندگی، متأثر از تفسیر از زندگی است و هر هدفی برای زندگی تعیین شود، سبک خاصی را به همراه می‌آورد (وظیفه و قدم دوم) که بدون پیشرفت در بخش حقیقی تمدن سازی نوین اسلامی یعنی «سبک و فرهنگ زندگی»، اهداف این تمدن بزرگ محقق نخواهد شد و اگر گفتمانی در زمینه آسیب‌شناسی و چاره جویی مشکلات موجود (وظیفه و قدم سوم) در سبک و فرهنگ زندگی بوجود آید، با توجه به نشاط و استعداد جوانان، حتماً درخشندگی ملت ایران در این زمینه نیز، چشم جهانیان را متوجه خود خواهد کرد. دهها سؤال و مسئله اساسی دیگر نیز وجود دارد که همه آنها با سبک و فرهنگ زندگی مرتبطند و به علت اهمیت این مسائل در زندگی انسان است که قضاوت در مورد یک تمدن با توجه به پیشرفت آن در بخش سبک و فرهنگ زندگی صورت می‌پذیرد. با بررسی اجمالی از این ۲۰ سؤال، ۵ سؤال به شرح ذیل بطور مستقیم و غیر مستقیم در رابطه با معماری و شهرسازی می‌باشد:

- ۱- طراحی ... و معماری شهرها چقدر منطقی و عقلانی است؟
- ۲- الزامات آپارتمان نشینی چیست آیا رعایت می‌شود؟
- ۳- چرا مصرف‌گرایی، برای برخی افتخار شده است؟
- ۴- چرا برخی حرفها و ایده‌های خوب در حد حرف و رؤیا باقی می‌ماند؟
- ۵- توجه به کیفیت در تولیدات داخلی چقدر است؟

شببخیون فرهنگی، جنگ نرم در شهرها و پدافند عامل و غیرعامل

همچنانکه تهاجم و شببخیون فرهنگی در همه‌ی عرصه‌های زندگی و با ابعاد گسترده و پیچیده‌ی آن صورت می‌پذیرد لذا جنگ و دفاع نرم نیز بایستی در همه‌ی جبهه‌ها مدیریت و فرماندهی شود. مطابق مطالب پیشگفته، وسیع‌ترین میدان این جنگ شهرها و آسیب‌دیدگان احتمالی آن شهروندان یا شهرنشینان هستند. آنچه بواسطه تأثیر معماری و

۶. سفر معظم له به استان خراسان شمالی در جمع دانشجویان و جوانان

شهرسازی در کلیه شوون زندگی به ویژه شوون اجتماعی- فرهنگی ذکر شد و عدم توجه لازم و کافی به این خط مهم جبهه‌ی فرهنگی (هویت و مشارکت) و اولویت نیافتن این محور و مفاهیم اساسی و راهبردی در برنامه‌های توسعه (مراجعه به پایان‌نامه مذکور در فهرست) ما را بر آن داشت تا ایده پدافند عامل (فعال) تمدنی (فرهنگی) را مطرح و در پژوهش‌های بعدی بسط دهیم، بنابراین آرایش و تجهیز در این میدان و عرصه‌های شهری تاکید می‌گردد.

با توجه به قرارگیری بسیاری از مراکز حساس و حیاتی در قلب شهرها تخریب بخش یا تمامی آنها اثرات بسیار مخرب و سنگینی را بر سازمان فضایی شهر وارد آورده و منجر به برهم خوردن تعادل سیستم‌های شهری و از کار افتادن حیات جوامع انسانی می‌گردد. به منظور پیشگیری از وقوع این مشکلات و به حداقل رساندن خسارات و تلفات در زمان وقوع بحران بحث ایمنی و امنیت بایستی در کلیه سطوح برنامه‌ریزی و طراحی از موضوعات کلان شهرسازی تا معماری و جزئیات فنی مورد توجه قرار گیرد. به این ترتیب اخیراً بحث پدافند غیرعامل بطور عام در کشور و بطور خاص در شهرسازی مطرح شده و ساختارهای متعددی برای آن تاسیس و اقدامات گوناگونی در حال انجام می‌باشد پدافند غیرعامل که در مقابل اقدامات نظامی تعریف می‌شود عبارت است از مجموعه اقدامات غیرمسلحانه که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقاء پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می‌گردد.

همانگونه که ذکر شد معماری و شهرسازی از فرهنگ و سبک زندگی متأثر و بر فرهنگ شهرها اثرگذار است که هم‌اکنون با الگوهای معماری و شهرسازی غربی و التقاطی هویت شهری به عنوان عنصر حیاتی مورد تهاجم و تهدید است که دفاع از آن نیازمند پدافند می‌باشد و چون مقوله فرهنگ و تمدن جریان سیال و پیشرو است در اینجا اطلاق به عامل یا فعال می‌شود که ترکیب پدافند عامل (فعال) فرهنگی را توجیه می‌نماید.

نتیجه‌گیری

حال که با نگاه جامع، مترقی، معقول و نشأت گرفته از وحی درباره فرهنگ که مقام معظم رهبری طلایه‌دار آن هستند و به دفعات آن را تبیین فرموده‌اند شایسته و بایسته است اهتمام و حمایت لازم با نگرش فراگیر و ناظر به رسالت دستگاه‌های مختلف که در این مسیر حرکت می‌نمایند به عمل آید چرا که ایجاد هماهنگی (فراموش شده) بین امور

اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ضرورت دارد تا سه وظیفه مهم یاد شده در مهندسی فرهنگی را بتوان در حوزه‌ی معماری و شهرسازی سامان داد.

همچنین با همت برتر و کار بیشتر زمینه‌ساز ظهور و تجلی محیط فعالیت و فضای زندگی بر پایه تعالیم الهی و فرهنگ غنی ایران اسلامی در عصر انتظار که گستره آن جهانی است و در راستای برپایی تمدن نهایی است که می‌توان آن را "رویکرد تمدنی به مهدویت" نامید بود تا با استفاده از این فرصت تاریخی و ارزشمند برای یک جهش و خیزش در این عرصه و با نگاهی واقع‌بینانه و نوآورانه الگویی عرضه و ارائه نمود. این الگو چه در نوشهرسازی و چه در نوسازی شهری به‌ویژه در مدیریت (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی)، معماری و شهرسازی و بطور خلاصه در آمایش انسانی و سرزمینی بایستی مدنظر باشد.

پیشنهاد می‌شود از دسته بندی ۴ گانه انواع فرهنگ مذکور در بیان رهبر فرزانه انقلاب (اشاره شده در همین مقاله) در هدایت، مدیریت و مهندسی فرهنگی استفاده و نهاد متولی تدوین الگو (مثلاً اندیشکده مسکن، معماری و شهرسازی) با استفاده از بدنه کارشناسی دستگاه‌های مربوط و ایجاد هماهنگی بین آن‌ها و دانشگاه‌ها و حوزه‌ها سازماندهی لازم را به عمل آورد و مفهوم پدافند عامل (فعال) تمدنی (فرهنگی)، هدف، تهدیدات فرهنگی در شهرها، عناصر حیاتی و حساس در شهرها، راهبردها، تدابیر، اقدامات و... را تبیین نماید.

فهرست مراجع

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۵۸)
- سیاست‌های کلی برنامه پنجم، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری (۱۳۸۸)
- سیاست‌های کلی برنامه چهارم، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری (۱۳۸۳)
- سیاست‌های کلی پدافند غیر عامل، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری (۱۳)
- توسلی، وحید. (۱۳۹۰). گزارش مقدمه‌ای برای برنامه‌ریزی شهر اسلامی ایرانی، اداره کل راه و شهرسازی استان اصفهان، اصفهان
- توسلی، وحید. (۱۳۹۱). بررسی نظام برنامه‌ریزی شهر و منطقه در افق چشم‌انداز با تاکید بر دو مفهوم هویت و مشارکت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، تهران.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۸۰). از شار تا شهر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طاهرزاده، اصغر. (۱۳۸۹). تمدن‌زایی شیعه، اصفهان: انتشارات لب‌المیزان.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

غراب، ناصر الدین، (۱۳۹۰). هویت شهری، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران

گلکار، کورش. (۱۳۹۰). آفرینش مکان پایدار، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۶) ادراک زیبایی و هویت شهر (در پرتو تفکر اسلامی)، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان.

نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۵) معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)، سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان، انتشارات راهیان، اصفهان.

همایون، محمدهادی. (۱۳۹۱). تاریخ تمدن و ملک مهدوی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، (۱۳۹۱)، مرکز ملی آمار ایران و، :

<http://sci.org.ir>

سایت معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، ۱۳۹۲، هفته‌نامه برنامه شماره ۲۹۱

<http://files.spac.ir> :

سایت شهرسازی، ۱۳۹۲: <http://shahrsazi-mhud.ir/urban>